

به افتاب سوگند که سلامی از ده دل میدهم بر شما افریننده محترم بنده

سایه

اخ یادش بخیر ! باید از خودم شروع کنم آگه اینی که نبودم چه کسی بودم از نزدیکترین شخص خودم شروع میکنم سایه خودم چه ماهیتی داره سایه خودم رو با زبان خودم به تصویر میکشم . سایه ایی که هیچ موقع نفهمیدم که چقدر هست یه رنگ بود ولی هیچ موقع یه اندازه نبود ولی بازم خوبه که یک رنگ هست اره این سایه کلک من خیلی زرننگ و تند و تیز هست بعضی موقعها خوب کوتاه میاد ولی بعضی موقع ها که رو دنده لج باشه کوتاه که نمیاد دراز تر هم میشه ولی در کل سایه خوبییه همیشه با من این سایه من یه معشوقی داره نمیدونم کجاست کیه بعضی موقع ها نیست وقتی که خیلی دوست دارم سر از کارش در بیارم فکر کنم عاشق سایه من خوابم شبها اون هم میره کجا نمیدونم؟ دختری تو نزدیکی خونمون شده میدونی از کجا فهمیم وقتی که شب تو رختخوابم بعضی موقعهای چشمم رو باز میکنم نسیتش ولی تا چراغ رو روشن میکنم زودی بودوبودو میاد سلام میده میگم سایه تو هنوز بیداری میگه اره تو بخواب همین چراغ رو خاموش میکنم میرم تو رختخواب سریع غیبت میزنه فکر کنم از سایه دختر همسایه میترسه چون زیاد تنهانش نمیزاره سریع میره پیش اون که تنها نباشه ولی نمیدونم با اینکه خیلی با من دوست هستش چرا درد دلش رو به من نمیگه

یواشکی عاشقی میکنه حیوونکی صبح تا شب دنبال منه شبها هم میره پیش معشوقش
تا خود صبح. نگرانشم مریض نشه؟ سایه گناه داره هیچ کاری نتونستم تو این زندگی
برای سایه بکنم هیچی هیچی اصلا نمیفهمم اون رو مدام بهش گیر میدم اذیتش می کنم
اون هم هیچی نمیگه ولی من میدونم از دست من کاملا بیزار هستش دیگه با من نمیسازه
میخوام براش برم خواستگاری سایه من از من دیگه خسته شده میخواد مال سایه دختر
همسایه باشه میدمش میره این از سایه من که امروز قصد این رو کردم بدمش بره سوی
زندگی خودش واسه دلش زندگی کنه و من از اینی که هستم تنها تر باشم !!!!!

تقدیم به تمام عزیزانی که از دستتون دادم و تمام عزیزانی که در دست دارمشون!!!!!!؟؟

منتظر سرنوشت بقیه عنصرهای وجود من باشید .

jahan44300@yahoo.com

M.J!